

جنگ ظفار و نقش ارتش ایران

عبدالرضا آقایی

دبیر تاریخ ازنا

یکی از ویژگی‌های دولت پهلوی دوم دخالت نظامی در امور برخی از کشورهای منطقه بود. در آغاز دهه ۱۹۷۰م / ۱۳۵۰ش با اعمال مجدد حاکمیت ایران بر جزایر ایرانی خلیج فارس، که پیش از آن در اشغال دولت انگلیس بود، نظارت ایران بر تنگه هرمز افزایش یافت. از سوی دیگر روابط ایران با کشورهای عربی منطقه به جز عراق، افزایش یافت. اوج قدرت‌نمایی ایران در منطقه، فرستادن نیروی نظامی به عمان برای سرکوب مخالفان سلطان قابوس بن سعید بود که براساس دکترین نیکسون انجام شد. براساس این دکترین ایران «ژاندارم منطقه» شناخته می‌شد. در این مقاله سعی شده است که علت لشکرکشی پهلوی دوم به عمان و نتایج آن بررسی شود.



ایران در سال‌های دهه ۱۹۶۰م / ۱۳۴۰ش فقط حلقه‌ای در زنجیر دفاعی آمریکا در برابر بلوک کمونیست به شمار می‌رفت. اما در سال‌های دهه ۷۰ میلادی / ۵۰ شمسی به صورت متحد ممتاز ایالات متحده آمریکا درآمد. قدرت‌نمایی شاه کمک زیادی به اجرای دکترین ریچارد نیکسون - که در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۹ (۳۰ دی ۱۳۴۷) در مسند ریاست جمهوری آمریکا قرار گرفته بود، می‌کرد. زیرا بلندپروازی‌های منطقه‌ای شاه کاملاً با نظریات رئیس‌جمهور آمریکا مطابقت داشت. تحولاتی که باعث چنین تغییری در سیاست آمریکا شد، عبارت بود از: دکترین نیکسون، تنش‌زدایی بین دو ابرقدرت (ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی) و بالاخره افزایش بهای نفت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۳۹۷).

در آذر ۱۳۵۰ که انگلستان به دلایلی چون پیامدهای ویرانگر دو جنگ جهانی، افول قدرت دریایی، جنبش‌های استقلال طلبی مستعمرات، جنگ سرد، پیدایش قدرت‌های نوین جهانی و به خصوص بحران اقتصادی و کاهش لیره استرلینگ، نیروهایش را از خلیج فارس بیرون برد، آمریکایی‌ها در منطقه هند و چین گرفتار بودند و برایشان دشوار بود که جای انگلیسی‌ها را پر کنند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴: ۲۵۷). بنابراین نیکسون در سال ۱۹۶۹ م در راه سفرش به فیلیپین، در جزیره گوام در برابر سران نظامی و روزنامه‌نگاران آمریکایی

عقایدش را دربارهٔ اوضاع جهان و سیاست آینده آمریکا تشریح کرد که به «دکترین نیکسون» مشهور شد. بدین جهت آمریکایی‌ها سیاستی را در پیش گرفتند که نیکسون آن را «سیاست دوپایه» می‌نامید. یعنی با ارسال کمک‌های نظامی فراوان، دو قدرت محلی ایران و عربستان سعودی را مأمور حفظ امنیت خلیج فارس نمودند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۳۹۷).

دیدار نیکسون و کسینجر (مشاور امنیت ملی آمریکا) از ایران در سال ۱۹۷۲م / ۱۳۵۰ش نشان‌دهنده اهمیت فراوان نقش منطقه‌ای شاه برای آمریکا بود. از این زمان بود که رئیس‌جمهور آمریکا «چراغ سبز» خرید هرگونه سلاح غیر هسته‌ای را به ایران نشان داد. ملاقات میان «شاه» و «نیکسون» کافی بود تا از شاه ایران یک ژاندارم برای منطقه بسازد و تقویت قدرت نظامی ایران را به شکل بی‌سابقه آغاز کند (ملک محمدی، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

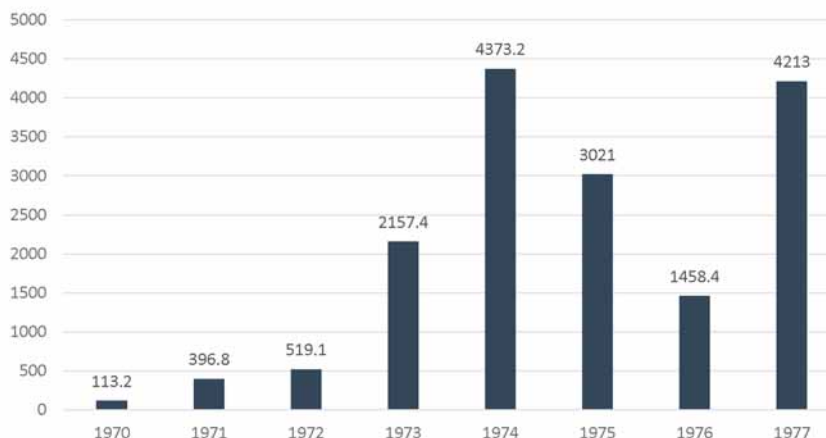
در مجموع، ارتش ایران در زمان پهلوی دوم در دو بعد نیروی هوایی و زمینی در خاورمیانه دارای امتیاز و برتری شد، به ویژه، نیروی هوایی ارتش از این نظر دارای اهمیت بود. توسعه ارتش به گونه‌ای بود که ایران پنجمین ارتش جهان را در اختیار داشت و هزینه هنگفتی صرف ارتش می‌شد. به همان نسبت که ارتش ایران نیرومندتر می‌شد و سوسه شاه نیز برای دخالت در امور دیگران و ایفای نقش ژاندارم منطقه، افزایش می‌یافت (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۵۷). نمودار شماره یک خریدهای تسلیحاتی ایران از آمریکا را طی سال‌های ۱۹۷۱م / ۱۳۴۷ش تا ۱۹۷۷م / ۱۳۵۶ش به تصویر کشیده است. در طی این سال‌ها به علت افزایش قیمت نفت، شاه می‌توانست پول خوبی در مسیر خواسته‌های خود خرج کند (ملک محمدی، ۱۳۸۱: ۱۸۰). در نمودار شماره دو مقایسه‌ای میان ترکیب نیروهای نظامی ایران در سال ۱۹۷۲م / ۱۳۵۱ش با سال ۱۹۷۸م / ۱۳۵۷ش صورت گرفته است که حکایتگر رشد قابل توجه قدرت نظامی ایران در فاصله سال‌های مذکور است (همان: ۱۸۴).

دخالت‌های نظامی ایران در کشورهای دیگر

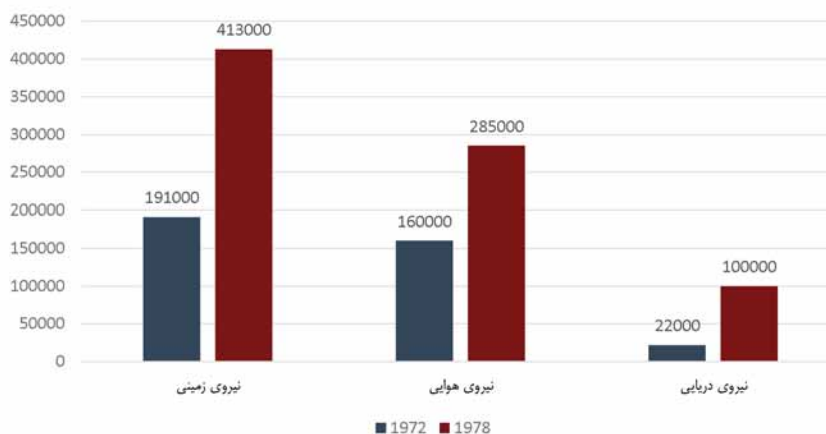
اما انگیزه شاه برای دخالت در کشورهای دیگر چه بود؟ به نظر می‌رسد پهلوی دوم از دخالت نظامی در کشورهای دیگر می‌خواست به اهداف زیر برسد:

- از طریق کسب پیروزی در عملیات نظامی در خارج برای خود شکوه و جلال فراهم کند.
- موقعیت ارتش را در جامعه ایران تقویت کند. اشاره مکرر شاه به عملیات «قهرمانانه» نیروهای نظامی ایران در ظفار نشان‌دهنده این طرز فکر است.
- شاه تصور می‌کرد که با مداخله و جنگ خارجی می‌تواند موقعیت داخلی خود را تقویت کند.

نمودار یک: خریدهای تسلیحاتی ایران از آمریکا طی سال های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷ میلادی (میلیون دلار)



نمودار دو: نمودار مقایسه ای ترکیب نیروهای نظامی ایران در سال های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۸ م / ۱۳۵۱ و ۱۳۵۷ ش



■ **یمن شمالی:** در جریان جنگ داخلی میان جمهوری خواهان و سلطنت طلبان که به مدت هشت سال (۴۹-۱۳۴۱ ش) طول کشید، ایران حمایت خود را از سلطنت طلبان اعلام کرد و به درخواست آنها در آن کشور به نوعی دخالت نظامی کرد. ارسال اسلحه و آموزش نیروهای یمنی در ایران نمونه ای از این مداخله بود (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۴۷).

■ **امیرنشین های عربی متحده:** در جریان تصرف جزایر سه گانه در خلیج فارس از طریق نیروی نظامی ایران، شیخ رأس الخیمه با این اقدام دولت ایران مخالفت کرد، که در جریان آن چند سرباز عرب در این ماجرا کشته شدند و ساکنان این جزایر را بعداً از آنجا بیرون کردند (هلیدی، ۱۳۵۸: ۲۸۰).

■ **پاکستان:** به دنبال جنگ سال ۱۳۵۰ ش بین هند و پاکستان، ایران اعلام کرد که با هرگونه تضعیف پاکستان مخالف است. در سال ۱۳۵۲ ش که در ایالت بلوچستان در مرز ایران و پاکستان چریک های زیادی علیه ارتش پاکستان به مبارزه برخاستند، حکومت پهلوی ۳۰ فروند بالگرد برای کمک به ارتش پاکستان در مقابله با شورشیان ارسال کرد

■ **کسب منافع اقتصادی برای ایران که ممکن است باعث تسلط بر کشورهای دیگر شود،** یا در افراطی ترین شکل به اشغال و تصرف منابع و دارایی کشورهای دیگر دست بزند. ■ **مهمترین هدف او، هدف سیاسی بود.** زیرا حکومت ایران مایل بود که از پیدایش هر جنبش یا کشوری که احتمالاً موقعیت استراتژیک ایران را تضعیف کند، جلوگیری کند. شاه بارها اعلام کرده بود که هیچ نوع خرابکاری یعنی جنبش ملی یا دموکراتیکی را در منطقه تحمل نخواهد کرد. پرونده سیاست خارجی شاه نیز از اواسط دهه ۱۹۶۰ م / دهه ۱۳۴۰ ش به بعد شاهد این مدعا است (هلیدی، ۱۳۵۸: ۲۷۹).

سیاست های نظامی ایران در خارج از کشور، از اواسط دهه ۱۹۶۰ م / ۱۳۴۰ ش بسیار وسیع بود و به دو شکل عمده صورت گرفت. یکی، دخالت مستقیم نیروی نظامی ایران و دیگری دخالت غیرمستقیم از طریق تأمین کمک های لازم (پایگاه، اسلحه، مهمات، تجهیزات، آموزش) برای نیروهای مورد علاقه ایران. مهمترین نمونه های دخالت مستقیم عبارت بود از:

و همچنین به ارتششان کمک مالی کرد (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۴۷).

■ **کردستان عراق:** بین سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۴ش دولت ایران به نیروهای کرد به رهبری ملامصطفی بارزانی در شمال عراق که با رژیم عراق جنگ می‌کردند، کمک‌های فراوانی کرد. دولت ایران از طریق مرزهای مشترک خود، اسلحه و مهمات به مناطق کردنشین ارسال می‌کرد و در حدود ۱۰۰۰ نفر از افراد نیروی نظامی ایران در کردستان عراق مشغول به کاربردن توپ‌های ضد هوایی بودند (هلیدی، ۱۳۵۸: ۲۸۰) و حتی ساواک در این منطقه نیروی پلیس مخفی ویژه‌ای به نام «پوستین» را ایجاد کرد (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۴۷).

■ **عمان:** کشور عمان (جنگ ظفار)، صحنه بزرگترین عملیات نظامی بود که ارتش ایران در آن شرکت کرد (هلیدی، ۱۳۵۸: ۲۸۰).

همچنین شاه در عملیات پاسداری از صلح سازمان ملل نیز شرکت کرد و در سال ۱۳۵۶ش، یک گردان به

■ **کمک به کشور مصر (هلیدی، ۱۳۵۸: ۲۸۰ و موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴: ۲۸۱).**

جنگ ظفار

دخالت ایران در کشور عمان و مشارکت در جنگ ظفار پیروی از دکترین نیکسون بود (نجاتی، ۱۳۷۹: ۳۶۴). عمان کشوری کوچک و ناتوان در امور اقتصادی و نظامی و گرفتار در جنگی فرسایشی و طولانی با گروه‌های مارکسیستی در داخل بود، اما از نظر راهبردی با مالکیت بخش جنوبی تنگه هرمز در جایگاه ممتازی قرار داشت (چمنکار، ۱۳۸۴: ۱۴۵). ظفار ایالت جنوبی عمان است و در جنوب شرقی شبه جزیره حجاز قرار دارد. به دنبال خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس، شورشیان این ایالت که ابتدا از طرف چین، یمن جنوبی و سپس شوروی سابق حمایت می‌شدند دست به حملات پارتیزانی علیه سلطان نشین عمان زدند.

شورشیان مزبور مجموعه‌ای بودند از عناصر انقلابی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس که به دنبال شکست‌های



پی در پی از حکومت‌های محلی به مناطق کوهستانی جنوب عمان پناه برده بودند و در ۱۹ ژوئن ۱۹۶۵ (۲۹ خرداد ۱۳۴۴) جبهه آزادی بخش ظفار را به وجود آوردند و دست به حملات چریکی علیه سلطان نشین عمان می‌زدند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۲۶).

هدف شورشیان راهیابی ایالت ظفار از سلطه نیروهای سعید بن تیمور، سلطان عمان بود (نجاتی، ۱۳۷۹: ۳۶۴). استقلال جمهوری دموکراتیک یمن (جنوبی) باعث تقویت جبهه مزبور شد و لذا در سال ۱۹۶۵م / ۱۳۴۴ش کنگره‌ای در حمیرن تشکیل دادند که در آن ملی‌گرایان و چپ‌گرایان شبه جزیره عربستان شرکت داشتند. در این کنگره نام جنبش به «جبهه خلق برای آزادی خلیج عربی اشغال شده» تغییر یافت تا شامل همه شیخ‌نشین‌ها شود. همچنین تصمیم به تأسیس ارتش منظم و نیروی

منطقه حائل سازمان ملل در بلندی‌های جولان به عنوان بخشی از نیروهای ناظر توقف درگیری سازمان ملل فرستاد (لطفیان، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

علاوه بر این دخالت‌های مستقیم، پهلوی دوم از طریق ارسال اسلحه و مهمات یا کمک‌های مالی به نیروهای مورد علاقه خود، در چند برخورد و مخاصمه دخالت کرد که عبارت بود از:

- کمک به رئیس جمهور ویتنام جنوبی
- کمک به کردهای عراق
- فرستادن هواپیما به مراکش، اردن و عمان
- کمک به موبوتو دیکتاتور زئیر
- کمک به دولت سومالی و حمایت از رژیم محمد زیاد باره رئیس جمهور سومالی
- کمک به رژیم هایله سلاسی پادشاه اتیوپی

چریکی گرفتند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵، ۴۲۷).

کردند (همان: ۴۲۷).

در سال ۱۳۵۰ یک هیئت عمانی به ریاست توبینی بن شهاب، مشاور سلطان قابوس، به تهران آمد و موافقت نامه‌ای مبنی بر کمک نظامی ایران به عمان، در جنگ علیه شورشیان ظفار به امضاء رساند (نجاتی، ۱۳۷۹: ۳۶۵ و چمنکار، ۱۳۸۰: ۲۱۵).

علل دخالت ایران در جنگ ظفار

مهم‌ترین عللی را که می‌توان برای دخالت حکومت پهلوی در جنگ ظفار برشمرد عبارت‌اند از:

■ **معرفی ایران به عنوان قدرت برتر منطقه:** در دهه ۱۹۷۰ م / ۱۳۵۰ ش دو بار شاه به دو کشور عمان و پاکستان برای مقابله با شورشیان داخلی کمک نظامی کرد تا ایران را به عنوان قدرت منطقه معرفی کند (لطیفان، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

■ **حمایت از کشتی‌های نفت کش:** نقش استراتژیک ایران در خلیج فارس و امنیت تنگه هرمز، به لحاظ عبور کشتی‌های حامل نفت به غرب و ژاپن، ارتش ایران را وادار به دخالت در جنگ ظفار می‌کرد. وزیر خارجه ایران در توجیه این عمل گفت: «اقیانوس هند را حریم امنیت برای خلیج فارس می‌دانند» (نجاتی، ۱۳۷۹: ۳۶۴).

■ **مبارزه با جنبش‌های انقلابی:** پهلوی اول اعلام کرده بود که تحت هیچ شرایطی اجازه نخواهد داد که یک جنبش انقلابی در عمان قدرت را به دست بگیرد (هلیدی، ۱۳۵۸: ۲۸۳).

■ **پیروی از دکترین نیکسون:** ژوزف سیسکو، معاون وزیر خارجه آمریکا، درباره نقش استراتژیکی ایران در خلیج فارس گفته بود: «ما دیگر احتیاجی نداریم که مستقیماً در این منطقه دخالت نظامی کنیم. سال‌هاست ایالات متحده برای مدرنیزه کردن ارتش ایران و عربستان سعودی کمک‌های وسیعی کرده است» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۲۸).

■ **مقابله با یمن جنوبی:** دلیل دیگر اعزام نیرو به عمان، ضربه زدن به رادیکال‌ترین رژیم این منطقه یعنی جمهوری سوسیالیستی یمن جنوبی بود که از شورشیان ظفار حمایت می‌کرد و با عمان مرزهای مشترک داشت (هلیدی، ۱۳۵۸: ۲۸۳).

■ **کسب تجربه برای نیروهای نظامی ایران:** لزوم تعلیم و تجربه برای نیروی نظامی ایران در شرایط یک جنگ واقعی باعث شد که شاه هر چهار ماه یک بار افراد و سربازان تازه‌ای به جای نفرات قبلی به عمان بفرستد تا به این ترتیب نیروهای نظامی ایران تعلیمات واقعی ببینند (همان: ۲۸۳).

■ **درخواست انگلیسی‌ها:** پیروزی‌های اولیه جنبش آزادی بخش، در عمان و پیشروی آنها تا نزدیکی مناطق نفت خیز شبه جزیره عربستان، باعث شد تا سلطان عمان به پیشنهاد انگلیسی‌ها از دولت ایران درخواست کمک کند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۲۷).

■ **دعوت سلطان عمان از ایران:** انگلیسی‌ها سعید بن تیمور، سلطان عمان را که قادر به سرکوب شورشیان ظفار نبود در سال ۱۹۷۰ م / اول مرداد ۱۳۴۹ از قدرت برکنار کردند و پسرش قابوس را به جانشینی او انتخاب

ورود ارتش ایران به عمان

تا اواخر سال ۱۳۵۱ ش کمک ایران به عمان منحصر به ارسال جنگ افزار و تجهیزات مختلف می‌شد، تا اینکه سرانجام در آذر سال ۱۳۵۲ به تقاضای سلطان قابوس، که به تهران سفر کرد، نیروهای ایرانی مجهز به وسایل پیشرفته و هلیکوپترهای باری و کشتی‌های جنگی وارد عمان شدند (میرفندرسکی، ۱۳۸۲: ۱۹۱). به منظور پوشش عزیمت نیروهای ایران به ظفار، پیمان سنتو اعلام کرد که یک سلسله مانورهای نظامی به مدت ۱۲ روز با شرکت نیروهای انگلیسی، آمریکایی و ترک و ایران در خلیج فارس انجام خواهد داد و آنگاه نیروهای ایران از پایگاه چابهار با کشتی‌های جنگی به سوی عمان عزیمت کردند. ۲۰ فروردین هلیکوپتر باری که به وسیله ۲۵ فرزند جت جنگنده همراهی می‌شدند، سربازان ایرانی را حمایت می‌کردند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۲۸) ایران در «صلاله» یک پایگاه نظامی ایجاد کرد که جنبه فرماندهی داشت و نیروهای ایرانی مستقر در عمان از آنجا دستور می‌گرفتند. جبهه آزادی بخش که متوجه قدرت نظامی نیروهای مشترک شده بود، استراتژی جنگی خود را عوض کرد و در سال ۱۳۵۳ ش نام خود را به «جبهه آزادی بخش عمان» تغییر داد و هدفش را آزادی و استقلال عمان و نبرد علیه تجاوز انگلیس و ایران اعلام کرد. نیروهای چریکی جبهه، در یک درگیری بزرگ در آذر ۱۳۵۳ تلفات سنگینی به واحدهای نظامی ایران وارد کردند. شاه ایران که دامنه این جنگ را پیش‌بینی نکرده بود، مجبور شد در همان سال ۱۰ هزار سرباز دیگر به عمان بفرستد که این تعداد به ۱۱۰۰۰ نفری که قبلاً مشغول نبرد بودند، افزوده شد.

بعد از تقویت نیروهای نظامی ایران، ارتش ایران با همکاری نیروهای عمانی و انگلیسی، در دو سوی جنوب و شمال ظفار با بالگرد فرود آمدند و سپس با اشغال جاده استراتژیک مسقط صلاله که پایگاه شورشیان در آن قرار داشت به صورت «گاز انبری» نیروهای شورشی ظفار را مورد حمله قرار دادند و در ۲۴ مهرماه ۱۳۵۴ با سرکوب جنبش ظفار آنجا را پاکسازی کردند. در این عملیات نیروی هوایی ایران در بمباران مواضع کوهستانی شورشیان نقش اساسی داشت (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۴۷ و نجاتی، ۱۳۷۹: ۳۶۶) در این جریان نیروی زمینی ایران کمتر موفق بود و بیشترین کشته و زخمی را داد. در مورد کل تلفات ارتش ایران هیچ‌گونه آمار دقیقی در دست نیست. ولی طبق

اطلاع مقامات نظامی، دست کم ۲۵ افسر و ۱۸۶ سرباز ایرانی در این جنگ کشته شدند. تعداد بالای تلفات ایران به دلیل فقدان تجربه جنگی سربازان بود (هلیدی، ۱۳۵۸: ۲۷۹ و لطفیان، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

بازتاب شرکت ارتش ایران در جنگ ظفار

دخالت نظامی ایران در جنگ ظفار بازتاب گسترده‌ای در جهان عرب نداشت. تنها سرهنگ معمر قذافی بود که ناراضی‌تبی خود را از آن ابراز کرد. برعکس، کشور اردن با ارسال ۲۱ فروند هواپیما و یک هنگ از نیروهای مخصوص خود، به طرفداری از عمان، در آن شرکت کرد (همان: ۴۲۹). در داخل کشور، حمله نظامی ایران به ظفار را مقامات حکومت پهلوی «یک پیروزی ملی و موفقیت ارتش» تلقی کردند. پس از پایان جنگ، اسماعیل الخلیجی سفیر عمان در تهران گفت: «این پاکسازی بدون شجاعت و مهارت سربازان ایرانی امکان پذیر نبود» (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۴۷). روزنامه کیهان نیز در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۴ در مقاله‌ای تحت عنوان «انعکاس پیروزی ایران در ظفار» نوشت: ... کمک‌های ایران به عمان از طریق شرکت دادن ارتش در مبارزه با شورشیان ظفار و پیروزی که نیروهای ایران در تصرف جاده ۶۰۰ کیلومتری صلاله پیدا کردند، مورد بحث و تفسیر محافل سیاسی کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است (نجاتی، ۱۳۷۹: ۳۶۶).

آثار و نتایج جنگ ظفار

جنگ ظفار آثار و نتایجی چند در منطقه برجای گذاشت:

■ **کشتار غیرنظامیان عمانی:** در این عملیات عده‌ای از مردم بی‌گناه کشته شدند.

■ **آزمایش تجهیزات نظامی آمریکایی:** لشکرکشی به عمان و شرکت در جنگ ظفار محل مناسبی برای آزمایش تجهیزات مدرن آمریکایی-که در اختیار ارتش ایران قرار گرفته بود- شد (همان: ۴۲۹).

■ **کسب تجربه برای سربازان ایرانی:** شرکت در جنگ ظفار میدان مناسبی برای افزایش کارایی افسران و سربازان ایرانی-که هرگز در یک جنگ واقعی شرکت نکرده بودند- بود. به همین جهت واحدهای اعزامی به ظفار مرتباً تعویض می‌شدند تا افراد بیشتری با جنگ‌های چریکی آشنا شوند. شاه ضمن سفری که در آذر ۱۳۵۶ به عمان کرد، پس از بازدید از نیروهای ایرانی گفت: «هرگاه عمان، دیگر احتیاج به حضور نیروهای ما در خاک خود نبیند، این نیروها احضار خواهند شد و در صورت تقاضای کمک از هر کشور آزاد خلیج فارس، ایران از امنیت آن کشور دفاع خواهد کرد» (همان: ۴۲۹).

■ **ایجاد غرور در شاه:** با اعزام نیروهای نظامی ایران به عمان، شاه احساس غرور می‌کرد که نیروهایش در شکست

شورشی چریکی مشارکت کرده اند (لطفیان، ۱۳۸۰: ۱۰۲).
 ■ **نگرانی کشورهای عربی خلیج فارس:** کشورهای حوزه خلیج فارس - به جز عراق - که از تلاش روس‌ها برای نفوذ در منطقه آگاه بودند و از چشمداشت برخی از کشورها مانند عراق نسبت به مناطقی در فراسوی مرزهایش بیمناک بودند، وجود ایرانی قدرتمند را، که بتواند در مقابل این تمایلات ایستادگی نماید، پدیده‌ای نامطلوب نمی‌دانستند، اما دخالت جویی‌های بلندپروازانه شاه، آنان را نگران می‌کرد (ملک محمدی، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

■ **ایجاد تردید در سیاست روس‌ها:** دخالت نظامی ایران در جنگ ظفار، روس‌ها را بر سر دوراهی قرار داده بود. آنها در مقابل یک انتخابی مشکل میان ایران، کشورهای خلیج فارس و استقلال طلبان ظفار قرار داشتند. زیرا طرفداری از هر یک می‌توانست منجر به از دست رفتن طرف دیگر باشد (همان: ۱۸۷).

■ **همکاری بیشتر ایران و عمان:** عملیات نظامی ایران در عمان باعث شد تا میان ایران و عمان همکاری بیشتری صورت گیرد و دو کشور بر اساس توافق‌نامه‌ای، به بازرسی مشترک دریایی در تنگه هرمز بپردازند (همان: ۱۸۷). بعد از آن دولت عمان به یکی از شرکای سیاسی، نظامی و اقتصادی دولت ایران در منطقه خلیج فارس تبدیل شد. سلطان عمان در ارتباط تنگاتنگ با سیاست‌های دولت پهلوی عمل می‌کرد و به منزله نیروی واسط تهران با دیگر شیوخ عرب به شمار می‌رفت (چمنکار، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

منابع

الف. کتاب‌ها

۱. میرفندرسکی، احمد. در همسایگی خرس (دیپلماسی و سیاست خارجی ایران از ۳ شهریور ۱۳۲۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷). تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۲.
۲. جمشیدی، محمد حسین. مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران. تهران: سپاه پاسداران و دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، ۱۳۸۰.
۳. ملک محمدی، حمیدرضا. از توسعه لرزان تا سقوط شتابان. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۴. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی. تهران: انتشارات البرز، ۱۳۷۵.
۵. سقوط (مجموعه مقالات نخستین بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴.
۶. هلیدی، فرد. دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران. ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۷. لطفیان، سعیده. ارتش و انقلاب اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۸. نجاتی، غلامرضا. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب). تهران: انتشارات رسا، ۱۳۷۹.
۹. آبراهامیان، پروانه. ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
- ب. نشریات
۱۰. چمنکار، محمدجعفر. «مقاله دگرگونی نقش آفرینی ایران در خلیج فارس» فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره ۲۲ (بهار ۱۳۸۴).
۱۱. چمنکار، محمدجعفر. بحران ظفار در واپسین دهه روابط خارجی ایران عصر پهلوی. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوم، شماره ۵ و ۶ (زمستان ۷۹ و بهار ۸۰).